

در جلسه امروز شورای تمیر کشور:

## برای نخستین بار ۴۵ تمیر ملی اجازه انتشار یافت



در جلسه صبح چهارشنبه شورای تمیر کشور و به اتفاق آرا طرح ۴۵ تمیر ملی تصویب شد تا پس از تأیید وزیر ارتباطات در مناسبت‌های مرتبط چاپ و منتشر شود.

درحاشیه این جلسه سید جمال هادیان طباطی رئیس شورای تمیر درباره مصوبات آن گفت: «برای نخستین بار است که در یک جلسه شورا این تعداد تمیر با رأی اکثریت اعضا به تصویب می‌رسد.» او درباره فرایند انتخاب موضوعات و طراحی تمیر گفت: «انتخاب موضوعات تمیرهای ملی، حاصل دریافت نظرات رسمی متولیان و مراجع مسئول در حوزه فرهنگ و هنر، میراث و گردشگری، محیط زیست، موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ،

انجمن‌های تخصصی و مشورت با برجستگان رشته‌های مختلف و تجمیع نظرات آنهاست.» هادیان افزود: «تمیرهای مصوب در سه بخش مشاهیر و مفاخر ایران، اماکن تاریخی فرهنگی و موضوعات مناسبتی و رویدادهای ملی تقسیم‌بندی می‌شوند.»

رئیس شورای تمیر ادامه داد: «در بخش مشاهیر و مفاخر ایرانی تمیرهای حضرت آیت‌الله جوادی آملی، استاد محمدرضا حکیمی، رضا داوری اردکانی، غلامحسین دینانی، مهدی محقق، محیط طباطبایی، محمود دولت‌آبادی، باستانی یاریزی، محمد معین، سیدجعفر شهیدی، پرویز کردوانی، مرتضی ممیز، خسرو شکیبایی، داوود رشیدی،

محمدمعلی کشاورز، جمشید مشایخی، جلیل شهناز، حسن کسایی، فرهاد فخرالدینی، لوریس چکناواریان، ابوالفضل زروبی نصرآباد، عمران صلاحی، کیومرث صابری قومی، منوچهر احترامی و فرماندهان شهید دفاع مقدس، شهیدان صیاد شیرازی، همت، زین‌الدین، بروچردی، جهان‌آرا، کاظمی، خرازی، باکری و باقری به تصویب رسیدند.»

در بخش اماکن تاریخی و فرهنگی هم تمیرهای ویژه‌ای با تصاویری از یادگیرهای دوطبقه ابرکوه، گنبد سلطانیه زنجان، مسجد نصیرالملک شیراز و کاخ گلستان به تصویب رسیدند.

در بخش مناسبتی نیز تمیر ویژه ولادت

امام رضا و دهه کرامت و همچنین تمیرهای شش قطعه‌ای ویژه حضور کاروان ورزشی ایران در المپیک ژاپن به تصویب رسید.

در بخش آثار هنری نیز آثاری از مجسمه‌سازان معاصر ایران، علی‌اکبر صنعتی، ابوالحسن صدیقی، پرویز تاولی و ژازه طباطبایی تصویب شد.

هادیان در پایان افزود: «تمیرهای تصویب شده از ظرفیت‌های مغفول مانده تاریخی، فرهنگی، زیست‌محیطی و اماکن و مشاهیر برجسته ایرانی است که با کیفیت قابل قبول موجب غنا و پرپراوری گنجینه‌های شخصی خواهد شد و مجموعه‌داری تمیر را نیز رونقی مضاعف خواهد بخشید.»

# او خواهری ندارد



زهره طالبی علی

نویسنده

می‌کند: یه دفعه خسته نشی... کل آبادی داره می‌گرده دنبال خواهرت بعد تو نشستی اینجا!

...من خواهری ندارم.

...عین شتر کینه‌ای.

رضوان لبه‌های پایین چادرش را از بغل گوشش رد می‌کند و دور گردنش می‌بندد. چوب بلند قدرت را از بیخ دیوار بر می‌دارد و می‌رود. قدرت ادامه می‌دهد به برگ زدن آلبوم قدیمی‌اش. عصمت بالای سر قدرت و رضوان قند می‌ساید. عصمت روبه دوربین لیختن زده جوری که دندان‌هایش هم معلوم است. عصمت کنار تشک رضوان نشسته و قاسم توی بغلش است. با صدای قاسم آلبوم را می‌بندد.

...بالای رود نبود... آب روزیرو رو کردم... برید سمت پایین رود.

قدرت توی حیات می‌رود. صدای دودین‌ها را می‌شنود و سلانه سلانه طول حیات را می‌رود و می‌آید. کنار تشک دوغ چمباتمه می‌زند. بطری خالی را برمی‌دارد. پلایچ را از تشک پیر می‌کند و توی بطری می‌ریزد. در پلمب شده را روی بطری سوار می‌کند. بر چسب «دوغ سستی قدرت» را بر می‌دارد و روی بطری می‌چسباند. رضوان از در حیات وارد می‌شود و چشمش به قدرت می‌افتد که درگیر صاف کردن برچسب روی بطری‌ست.

...واقعاً برات مهم نیست و...

آخرین محرم، همه چوب‌ها را برداشته بودند بجز قدرت که توی خانه روبه‌روی تلویزیون لم داده بود. سمت رودخانه می‌رفتند. هر کس چوبش را تا آنجا که زمین اجازه می‌داد توی آب می‌کرد و هم می‌زد. خزه و زیاله و سنگ و کلوخ از کناره‌های آب آزاد می‌شد و در جریان تند آب به سرعت می‌رفت. قدرت تلویزیون را خاموش کرد و از پشت پرده‌ی پنجره گوش تیز کرد.

...پیدانشد؟

...هنوز نه.

...مطمئنید اومده سمت رودخونه؟

...آره هر روز میومد از همین جا هم رد می‌شد بره اون طرف... برای پونه چینی می‌رفت... می‌گفت پونه‌های اون طرف رودخونه عطر شون بیشتره.

قدرت بلند می‌شود و سمت کمد چوبی‌اش می‌رود. کیف چرمی پوست‌پوست شده‌اش را از توی کمد بیرون می‌کشد. آلبوم عکس‌ها را در می‌آورد و روبه‌رویش می‌گذارد. اولین عکس خودش است و عصمت. قدرت دستش را انداخته دور گردن عصمت و گونه‌اش را می‌پوسد. رضوان از در وارد می‌شود و روبه قدرت

■ سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ با حضور در مراسم ترحیم زنده‌یاد مهشاد کریمی، خبرنگار جانبازخه ایستاد حادثه چهارشنبه هفته گذشته بر ضرورت مطالبه‌گری بیشتر اهالی رسانه تأکید کرد و گفت: «باتوجه به وضعیت امروز جاده‌ها و حوادث ایجنینی امروز که غم خبرنگاران ما را در سوگ برده است، جامعه رسانه می‌تواند بیش از گذشته به این موضوع بپردازد و این معضل را مورد مطالبه قرار دهد تا سوگ این عزیزان مانع از سوگ‌های دیگر باشد.»/سایت وزارت ارشاد

■ ارکسترملی ایران اولین اجرای خود در سال جدید را با عنوان کنسرت شب موسیقی فیلم روی صحنه می‌برد. این برنامه که بنا بود در تاریخ ۲۶ خرداد ماه اجرا شود، به‌رغم آمادگی ارکستر، به دلیل محدودیت‌هایی که برای پلتفرم‌های پخش آنلاین به وجود آمد، به تاریخ جمعه ۱۱ تیرماه موکل شد. بنا بر تصمیم شورای هنری ارکستر، به منظور ارائه مطلوب‌ترین اجرا و همچنین نمایش بهتر هنرنوازندگان ارکستر، این کنسرت به شکل «آقلاین» در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. بر این اساس، کنسرت شب موسیقی فیلم ارکسترملی ایران از ساعت ۲۱ روز جمعه ۱۸ تیرماه از طریق سایت اینترنتی بنیاد رودکی به نشانی: www.bonyardroudaki.com، اینستاگرام هفدآنگ (hafdang) و اینستاگرام بنیاد رودکی (bonyardroudaki) در دسترس علاقه‌مندان است./روابط عمومی

■ «دوبید رونی»، منتقد ارشد هالیوود ریورتر به معرفی ۱۰ فیلم برجسته و مهم در بخش رقابتی اصلی کن ۲۰۲۱ پرداخته که فیلم «قهرمان» جدیدترین ساخته فرهادی یکی از این فیلم‌هاست./ایسا

■ آپ-اجرای «سیاره» از چهارشنبه نهم تیرماه اجرای خود را در خیابان ارباب جمشید آغاز کرده و علاقه‌مندان در هر ساعتی از شبانه‌روز می‌توانند حضور در این اجرای تعاملی را تجربه کنند. آپ-اجرای «سیاره»، یک بستر مجازی در قالب اپلیکیشن بوده که در آن گونه‌ای از نمایش‌های محیطی قابلیت اجرا دارند. «سیاره» توسط گروه هنری نواز به سرپرستی هادی کمالی مقدم و مینا بزرگمهر طراحی شده است./روابط عمومی

■ محمد الیاری، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گذشت محمدحسن اسدپوریان، نوازنده مطرح ویولن و کمانچه را تسلیت گفت./ایرنا

■ «ملانی تیری» بازیگر فرانسوی، به عنوان رئیس هیأت داوران جایزه دوربین طلایی ویژه بهترین فیلم اول هفتاد و چهارمین جشنواره فیلم کن انتخاب شد./ایسنا

■ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور اعلام کرد با هدف تکریم اعضا و تشویق آن‌ها به بازگشت منابع امانی خود طرح «میلاد نور تا عید سعید قربان» را در کتابخانه‌های سراسر کشور اجرا می‌کند./ایسنا

## تجارت

تجارت چهارم

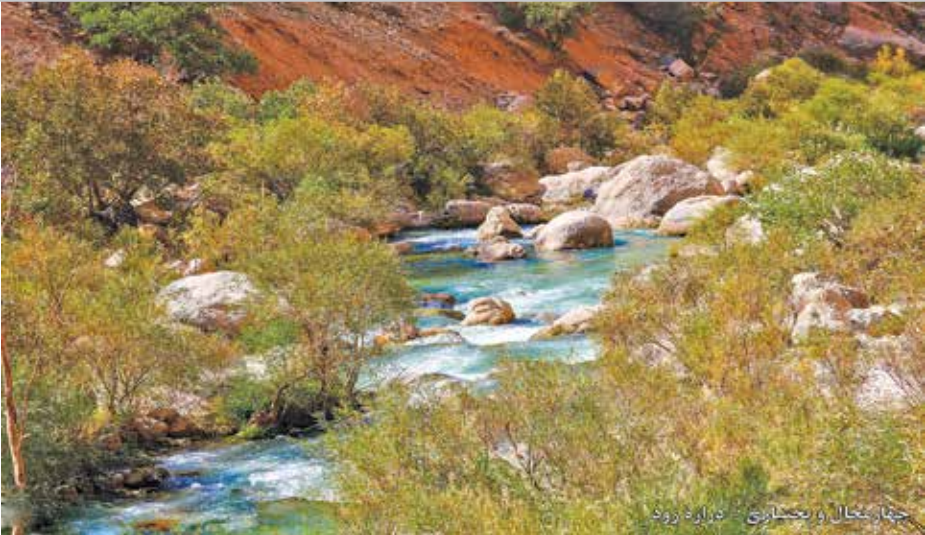
## محسن بوالحسنی

خبرنگار

تلویزیون تئاتر ایران کم‌کم دارد راه خودش را پیدا می‌کند و به‌قول معروف روی ریل می‌افتد و به‌نظر می‌رسد این اتفاق خوش‌یمن، بالاخره در حال رخ دادن است. به‌شخصه تجربه دیدن نمایش از این پلتفرم را با «نگاهم به دریاست تا کسی آب را نبرد» رقم زدم و از طریق این پلتفرم به تماشای این نمایش نشستم با طراحی و کارگردانی حسن سبحانی. این نمایش که رضا گشتاسب متن آن را نوشته، اول بار سال ۱۳۹۹ در جشنواره‌سی و نهم تئاتر فجر و در تماشخانه ایرانشهر تالار استاد سمندریان روی صحنه رفت و در بخش موسیقی برنده جایزه اول شد و در چند جشنواره دیگر تئاتر هم جوایزی در بخش‌های مختلف به‌دست آورد و همین مرور روی اسم و رسم نمایش به دیدنش ترغیبم کرد. داستان از آنجا شروع می‌شود که قاسم در گیرودار جنگی نامعلوم، وظیفه دارد تا در جزیره‌ای دورافتاده، تک و تنها از دکلی نفتی مراقبت کند. اینکه چطور تنها شده را نمی‌داند و همچنین این را که بیشتر باید نگهبان دکل باشد با مراقب «مم‌سپاه دریا» که می‌خواهد آب را بدزد. او باور دارد که اگر آب کم شود بالایی بر سر معصوم، زنش خواهد آمد. در همین حین زنیروی به نام موک معصوم را نیش می‌زند و باور بر این است که معصومه باید قبل از موک خودش را به آب برساند تا جان سالم به در ببرد. در نمایش حس را آلودی وجود دارد و شاید همین حس که در یافت نمایش تیدیه شده زمینه یک رئالیسم جادویی را باعث می‌شود و در اتفاقی مهم که به شیوای سیال و برهم ریخته در لحظه رخ می‌دهد، یک شمایل بی‌پایان وحشی جودآینه‌نضح می‌گیرد. قاسم سال‌ها پس از جنگ، هنوز تمام فکر و ذهنش در جنگ مانده‌واز باورهایش به یک سنگر می‌گوید و همچنان از بودن در یک

## داستان‌های ساده برای کلاس اولی‌ها

تابستان برای والدین آغاز شنیدن جمله حوصله‌ام سر رفت از زبان کودکان است. طبیعی است این روزها که به خاطر کرونا مجبور به خانه‌نشینی هستیم سرگرم کردن کودکان کاری دشوار است. چرا که خبری از کلاس‌های حضوری تابستان، دورهمی‌های دوستانه و پارک نیست. با توجه به اینکه امسال کلاس اولی‌ها به مدرسه نرفتند و درس‌ها را آنلاین یاد گرفتند بد نیست در طول تابستان با آنها روخوانی تمرین شود. حالا اگر این خواندن با داستان همراه باشد برای کودک جذاب‌تر و البته آسان‌تر می‌شود. یکی از کتاب‌های مناسب این گروه سنی «مجموعه کتاب کلاس اولی» است که ۵ سطح نوشته شده است. در معرفی این کتاب‌ها نوشته شده: «براساس حروفی نوشته شده‌اند که کلاس اولی‌ها درس به درس با آنها پیش می‌روند. با این شیوه کودک می‌تواند هر زمان با آموزش حروف مدرسه، کتاب داستان مربوط به همان حروف را به‌تنهایی بخواند و از همان ماه‌های اول لذت بآسودا شدن رانچشد. سپس



چهارم خال و جیحون

آرام‌تری ادامه می‌دهد: از خر شیطون بیا پایین مرد... تا کی می‌خوای ادامه بدی این قهر لعنتی رو... کو عصمت... نیست، اگه رضوان به تو آب یعنی مرده... میفهمی بغض رضوان می‌ترکد. قدرت پارچ را توی تشک ول می‌دهد و روی زمین می‌نشیند. قاسم یک قدم به سمت قدرت بر می‌دارد و می‌گوید: همه دیدن که عمه عصمت آفتاب که در اومده می‌رفته سمت رودخونه، حتی سبد پونه‌چینی هم روی کولش بوده... اما هرچی بوده باید الا بر می‌گشته...

رضوان آستین‌های خیسش را زیر چشمش می‌کشد و با لبه روسری بینی‌اش می‌گیرد و وسط حرف قاسم می‌پرد: ولش کن اینو دوغاشو بطری کنه... قاسم توبرو کلد و انت رو بردار برا آگاهی... قاسم با همان کفش‌های کلی توی اتاق می‌رود و کلبدها را از جیب شلوار قدرت که

روی چوب‌لباسی افتاده بر می‌دارد. توی حیات بر می‌گردد و کلبدها را جلوی قدرت می‌گیرد و می‌گوید: بنزین داره آقایی؟! رضوان به قاسم چشم غره‌ای می‌رود و با دست سمت در روانه‌اش می‌کند. قاسم سرش را پایین می‌اندازد و می‌رود. قدرت بلند می‌شود و روبه‌روی رضوان می‌ایستد. ۱۰ سال پیش به‌تون گفتم اگه عصمت با اون بالغوز ازدواج کنه هم خودشو بدبخت می‌کنه هم ما رو... هیچ‌کس گوش نکرد حتی آقای خدایامیرزم... منم گفتم خواهر برادریمون تمام... به من چه که شوهرش مرد به من چه بچه‌ش سرزا رفت به من چه بیکاره به من چه بی‌کسه... رضوان بلند می‌شود و روبروی قدرت می‌ایستد و وسط حرفش می‌پرد: هیچ‌کی ندونه من که می‌دونم چرا نمی‌خواستی با قاسم با هم کفش‌های کلی توی اتاق قدرت دست رضوان را کنار می‌زند



## به بهانه بخش فیلم تئاتر «نگاهم به دریاست تا کسی آب را نبرد» در تلویزیون تئاتر ایران

# زندگی در باور یک سرباز

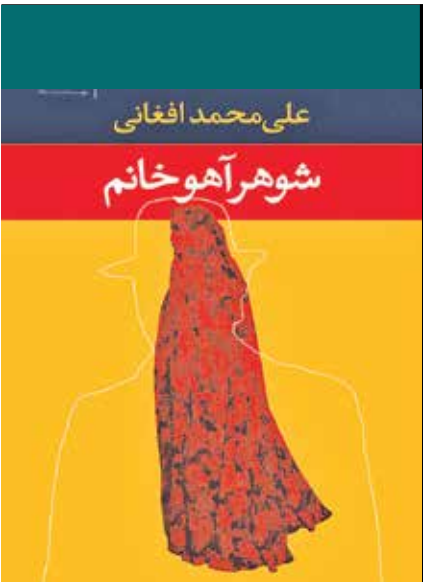
اجرا سود برده است. این نمایش از آن دست نمایش‌هایی است که می‌شود تماشايش را به علاقه‌مندان تئاتر پیشنهاد داد و مطمئن بود که از تماشاى آن احساس پشیمانی و ضرر نمی‌کنند. آن‌هم نمایشی در موضوع جنگ، که اگر چه از آن بسیار الهام گرفته شده اما هنوز بسیار جا دارد تا آثار فاخرو البته هنرمندانه در جزئیاتش خلق شوند؛ شما هم اگر دوست داشتید سری به پلتفرم تلویزیون تئاتر ایران بزنید و این نمایش، یا نمایش‌های دیگری را که در این سایت قابل تماشا هستند ببینید.

امرو دستور مشخص دفاع می‌کند و پایداری‌اش رابطه‌اش با همسر و مادرش را هم تحت الشعاع قرار داده و این زنده‌ها هنوز با مردی که گویا در جنگ کشته شده هم‌نفسی می‌کنند. مشخصاً کارگردان در این کار به‌درستی توانسته درنگی دقیق بر لحظه و آنات گذشته و حالش داشته باشد و از نشانه‌های پویا برای بر خوردارى از میزآنسن‌های مؤثر بهره ببرد. او همچنین بر آیین‌های بومی و موسیقی و رمزگان تسلط و آشنایی دارد و در «نگاهم به دریاست تا کسی آب را نبرد» از آن به عنوان عنصر پایداری اصلی برای شکل دادن به ساختار



مجموعه کتاب‌ها را برعهده دارند. برای اینکه خیالتان از بابت علمی و دقیق بودن کتاب‌ها راحت شود بد نیست بدانید که این کتاب‌ها از سوی هجدهمین جشنواره کتاب رشد، از مجموع ۸۹ کتاب مناسبی که به‌گروه «زبان و ادبیات فارسی» «رایافته بودند به‌عنوان اثر برگزیده انتخاب شده است. در آخر کتاب می‌توانید از کودک خود بخواهید داستان را تعریف کند، برایش تصویر بکشد و البته او را برای رفتن به کلاس دوم آماده کنید.

با انجام فعالیت‌های یابانی هر کتاب و خواندن جمله‌هایی طولانی‌تر، دایره واژگان را گسترش دهد... این کتاب‌ها به رده‌های مختلف تقسیم شده است که از آسان به سخت پیش می‌رود. جملاتی که ساده است و روایتگر یک داستان کوتاه با تصاویر زیبا است. لاله جعفری، آنوسا صالحی، مرگان کلهر و معصومه یزدانی نویسندگی این مجموعه و غزاله باروتیان، غزاله بیگلرلو، مهديه صفائی تیا و ویدا کریمی تصویرگری این



- شوهر آهو خانم
- علی محمد افغانی
- نشر نگاه

## مصائب یک دلدادگی نامتعارف

مریم شهپازی  
خبرنگار

در میان آثار داستانی معاصرمان، آنهایی که از سوی برخی به عامه‌پسند مشهور شده‌اند چند کتاب است که حتی نویسندگان طیف روشنفکر هم نتوانسته‌اند به راحتی از آنها بگذرند. «شوهر آهو خانم» یکی از این چند کتاب است و آن چند نوشته دیگر هم «تهران مخوف»، نوشته مشفق کاظمی یا قدری نزدیک‌تر به زمان حاضر، «بامداد خمار» اثر «فتانه حاج سیدجوادی»، بازگردیم به «شوهر آهو خانم»، رمانی خواندنی از علی محمد افغانی، نویسنده مشهور ۹۷ ساله کشورمان. از این کتاب به عنوان نخستین رمان واقعی فارسی یاد می‌کنند که دهه چهل به کتابفروشی‌ها راه یافت و نه تنها توجه عامه علاقه‌مندان، بلکه حتی طیف کتابخوان جدی و منتقدان را در دهه طلایی ادبیات‌مان به خود جلب کرد. داستانی که برای انتشار راه دور و دراز و سختی را طی کرد: افغانی آن را در سال‌های زندانی بودن نوشته، طی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸، بعد از راهپای از زندان برای انتشار کتاب به سراغ هر نشاری که می‌رود کسی آن را نمی‌پذیرد، چرا که انتشار داستانی بلند، از نویسنده‌ای ناشناس را ریسک می‌دانستند و... در نهایت با هزینه شخصی‌اش آن را منتشر می‌کند و جالب اینکه زنده‌یاد نجف دریابندری که طی همان دوران با هم آشنا شده بودند درباره شوهر آهو خانم می‌نویسد: «این داستان زندگی مردم عادی اجتماع ما تراژدی عمیقی پدید آورده و به صحنه‌هایی پرداخته که انسان را به یاد آثار «انوره دو بالزاک» و «لئون تولستوی» می‌اندازد.» سیروس پرهام، محمدمعلی اسلامی ندوشن و دیگر چهره‌های سرشناس آن دوره نیز طی نوشته‌های دیگر شفقتی خود را از رمان افغانی یاد می‌کنند. «شوهر آهو خانم» با ذکر جزئیات بسیار و از سویی بیانی ساده و به دور از تکلفات نوشتاری پیش روی مخاطبان قرار گرفته است. ماجرای این کتاب که سال ۱۳۱۳ در کرمانشاه رخ می‌دهد، روایتی از دلخستگی نامتعارف صاحب یک نانوائی است؛ مردی که تا پیش از دلدادگی به زن جوانی که قدم به نانوائی‌اش می‌گذارد اعتبار بسیاری میان همشهری‌های خود دارد اما در نهایت ناچار به پرداخت بهای سنگینی برای این لغزش می‌شود و... پیش از انقلاب داستان این رمان در قالب فیلمی سینمایی اکران شده و آن‌طور که چندی پیش از «علی‌رضا رئیس دانایی» ناشر کتاب «شوهر آهو خانم» مطلع شدیم تلویزیون هم بنای ساخت سریالی ۳۰ قسمتی را از آن گذاشته است. گذشته از علی محمد افغانی این رمان از جهات دیگری هم اثری خاص به شمار می‌آید، در خلال مطالعه «شوهر آهو خانم» فرصتی هم برای آشنایی با شرایط فرهنگی و جامعه‌شناختی آن سال‌ها فراهم می‌شود، بویژه از منظر آسیب‌های نگاه مردسالارانه بر زنان. در ضمن از این رمان مشهور چاپ‌های زیرزمینی بسیاری در دست است؛ برای حفظ حیات نشرمان به سراغ تهیه آن از طریق کتابفروشی‌ها و سایت‌های معتبر برویم.